



آیت‌الله العظمی‌ شاهرسانی

در ستایش اندوه ممدوح

یکی از ویژگی‌های مشترک که درباره باورهای مربوط به انسان یا زوج نخستین وجود دارد، اندوه است. آن جایی انسان به کلمه دست می‌اندازد که گرفتار «آه» و اندوهی بزرگ شده باشد. کلمه که از ریشه «کلم» است، به معنای جراحت و سستی است. انسان از درد فراق و جراحت جدایی از محبوب خود، آه از نهادش برآمد و کلمه را به عنوان راهی برای بیان درد و اندوه انتخاب کرد؛ همان‌طور که خدای رحمان با نظر به حال خراب انسان به جبرئیل فرمود تا راه توبه و انابه را به انسان آموزش بدهد و جبرئیل در قالب کلمات به انسان توبه آموخت. اندوه، راهی برای برون رفت انسان از درد و مسیری به‌سوی امید بود، آن چنان که حافظ می‌گوید: «مبتلایی به غم محنت و اندوه فراق/ای دل، این ناله و افغان تو بی چیزی نیست».

این بیان روشن می‌سازد که در بین پیامبران هم جزن و اندوه وجود داشته است و پیامبر^(ص) و معصومان^(ع) نیز جزن و اندوه را تجربه می‌کرده‌اند. اندوه دربین پیامبران، دلایل مختلفی داشته است، حال و مقامی که بر اثر فقدان‌ها یا ناکامی برای ایشان پیش می‌آمده است. خداوند می‌فرماید: «همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که فقر و پریشانی و چهل و فلاتک شما بر او سخت می‌آید و بر(آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان، ثنوف و مهربان است». (توبه، آیه ۱۲۸). پیامبر^(ص) هم جزن و اندوه دارنده که یک جزن و اندوه خاص است و در راستای بندگی خدا و یکی از مصادیق یاداوست و نزد خدا عزیز است. روایات بسیاری وجود دارد که باتوجه به مضامین آن درمی‌یابیم درمقابل حزن مذموم، حزنی نیز وجود دارد که اثمه معصوم^(ع) آن را تأیید کرده‌اند. امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «خداوند هر قلب غمناکی را دوست می‌دارد» (مجلسی، محمدباقر بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۸). به‌عنوان مثال درمورد حضرت آدم^(ع) دوری از خداوند، موجب اندوهش شد که حجاب بین عاشق و معشوق دردناک است؛ هرچند خداوند دلش به‌خاطر او به رحم آمد و فرصت توبه را به وی داد و توبه موجب برداشتن پرده‌ها شد و به قول حافظ، «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز!»، در مورد پیامبر رحمت، حضرت محمد^(ص)، نیز خداوند به‌صراحت حالتی از اندوه را در ایشان وصف می‌کند و پیامبرش را دل‌داری می‌دهد: «فَلَعَلَّكَ بَاجِعٌ مُّقَصِّدٌ عَلٰی اَنَارِهِمْ اِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهٰذَا الْخَبْرِ اِنَّمَا جَعَلْنَا مَا عَلٰی الْاَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ اَلَيْسَ لَهُمْ اَعْمَالٌ وَاِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا ضَعِيفًا خُرُّوا، گویی می‌خواهی به‌خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند، ما آنچه روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند(ولی این زیورها پایدار نیست) و ما(سرانجام) قشر روی زمین را خاک بی‌گیاهی قرار می‌دهیم.» (کهف/ ۶ تا ۸). کلمات به‌خصوص در زبان عربی، توصیف دقیقی از مفهوم ارائه می‌دهند. در این آیه «باجع»، از ریشه «بجع» (بر وزن نخل، به معنی هلاک کردن خود از شدت غم و اندوه است. کلمه «أشفأ» که شدت غم و اندوه را می‌رساند، تأکیدی است بر این موضوع و حالت پیامبر گرامی^(ص) که دچار چنین اندوه شدیدی شده‌اند. حال سؤال اینجاست که این اندوه شدید چه بود؟ اندوهی که نزدیک بود از شدت آن، وجود مبارکش‌ان از هستی خارج شود. در تفسیر این آیه، نکات لطیفی بیان شده است؛ یکی از این تعابیر این است که پیامبر^(ص) با دیدن عملکرد مردم و اینکه تلاشی برای فهم نمی‌کنند و به بررسی آیات و نشانه‌های که خداوند برای بشر فرستاده است نمی‌پردازند، با آن شدت، دچار اندوه و حزن است که شناخت نداشتن از خداوند، حجاب و مانعی برای انسان است در هر مقام و جایگاهی که باشد و به هر دستاوردی که برسد، مگر اینکه از این دوری و حجاب آن قدر دچار اندوه شود یا پیامبر ماندنی و رحمت‌للعالمینی برایش اندوه‌زده شود که خداوند به‌واسطه او، حجاب‌ها را برای بشر بردارد و او را به‌سوی قرب خود راهنمایی کند.

شرح حدیث

۴صفت ناپسند

حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «الْبُخْلُ عَارٌ وَالْجُبْنُ مَنَقَصُهُ. وَالْفَقْرُ يَخْرِشُ الْقَلْبَنَ عَنْ حُجَّتِهِ. وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ، بخل ننگ است. ترس نقصان است و فقر، شخص زیرک را از بیان دلایلش، گنگ می‌سازد و شخصی که فقیر است، در شهرش نیز غریب و بیگانه است.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳).

شرح: این چهار نکته‌ای که در کلام امام بیان شده است، با هم ارتباط دارند و همه آن‌ها مبتنی بر مسائل مادی است. امام در اولین جمله می‌فرماید: «بخل، ننگ است». حقیقت ننگ آن چیزی است که دور از شأن انسان باشد. ننگ، نوعی عیب است که به شرافت انسان لطمه می‌زند. نقصان جسمانی عیب نیست، بلکه نقصان شخصیتی و حیثیتی، عار است و بخل چون دون شأن انسان است، عیب محسوب می‌شود؛ زیرا شأن انسان به این است که با عالم هستی هم‌صدا باشد.

تمام عالم درحال اتفاق کردن هستند؛ خورشید دائم اتفاق می‌کند و نور می‌دهد، زمین دائم اتفاق می‌کند و مواد غذایی می‌دهد. دریاها، هوا، جانوران مثل زنبور عسل، گوسفند و حیوانات دیگر اتفاق می‌کنند و در این میان اگر انسان که اشرف مخلوقات است، اتفاق نکند و بخل بورزد، از موجودات دیگر پست‌تر خواهد بود و جز ننگ و عار، چیز دیگری نصیبش نخواهد شد.

روایاتی که در نکوهش بخل، ترس و فقر بیان شده است، بسیار است که نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم: رسول خدا^(ص) فرموده‌اند: «أَقْلُّ النَّاسِ راحه البخیل، آدم بخیل. کمتر از همه مردم آسایش دارد.» (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۰).

در جمله دوم امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: ترس در وجود انسان، نقص است؛ چون ترس بی‌دلیل، سرمایه‌های انسان را بر باد می‌دهد، توانایی سخن گفتن را دارد، اما ترسوست. در زمینه تبلیغات دینی اگر شخصی ترسو باشد، نمی‌تواند مبلغ خوبی باشد، توانایی تجارت را دارد اما ترسوست. راه مبارزه با ترس، وارد شدن در میدان‌های کاری است و اگر انسان می‌خواهد در زندگی ترس نداشته باشد، باید از خدا بترسد که درواقع ترس از گناهان خودش است.

امام علی^(ع) ادامه می‌دهند: «الْخَوْفُ سَجْنُ النَّفْسِ عَنِ الذُّلُوبِ، وَرَادِعُهَا عَنِ الْمُعَاصِي، ترس، بازداشتگاه نفس از گناهان و جلوگیری از آن‌ها نافرمانی‌هاست» و همان حضرت فرموده‌اند: «مَنْ كَثُرَتْ مَخَافَتُهُ قَلَّتْ أَفْئَتُهُ، آن که ترس او زیاد باشد، کمتر آسیب ببیند.» (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۱۸۳).

امام علی^(ع) در جایی دیگر به فرزندان‌شان، امام حسن^(ع)، درمورد فقر چنین می‌فرماید: «کسی را که دربی تحصیل خوراک روزانه خود است، سرزنش مکن؛ زیرا کسی که قوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است. فرزندانم! آدم فقیر، حقیر است. سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبه‌اش شناخته و دانسته نمی‌شود. فقیر اگر راستگو باشد، او را دروغگو می‌نامند و اگر زاهد و دنیاگریز باشد، نادانش می‌خوانند. فرزندانم! هرکه به فقر گرفتار آید، به چهار خصلت مبتلا شود: «بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ، وَالتَّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ، وَالزُّلْفَةِ فِي دِينِهِ، وَقِلَّةِ الْخِيَاءِ فِي وَجْهِهِ. فَقَوُّهُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ، به سستی در یقین و کاستی در خرد و شکنندگی در دین و کمی شرم و حیا در چهره، پس پناه می‌برم به خدا از فقر» (میزان‌الحکمه، ج ۷، ص ۵۰۵). جمع و تفسیر این روایات به این است که فقر به دو معنا پسندیده است و به یک معنی نکوهیده.

فقر پسندیده، یکی فقر الی... است که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ!... وَ... هُوَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ، ای مردم! شما (همگی) نیازمند به خدایید و تنها خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است». آری، بی‌نیاز حقیقی و قائم‌بالذات در تمام عالم هستی، یکی است و او خداست. همه موجودات سرتاپا نیازمند و فقیر و وابسته به‌وجود او هستند. همان‌گونه که او نیاز مطلق است، انسان هافقر مطلقند. دوم، زندگی ساده است که پسندیده است و اینکه رسول خدا^(ص) فرمودند «فقر افتخار من است»، منظور حضرت، فقر الی... و زندگی ساده است، اما فقری که مذمت شده و نکوهیده است، فقر مالی و نیاز داشتن به این و آن است و شخص نیازمند، وابسته است و شجاعت ندارد. در نتیجه نمی‌تواند حرف خود را بزند و ادامه حدیث مورد بحث که می‌فرماید: «آدم فقیر در شهر خود نیز غریب است».

اشاره به همین نوع فقر دارد.

منبع: برگرفته از شرح احادیث اخلاقی امام علی^(ع) از آیت‌ا... العظمی‌ مکارم شیرازی.

توسل به صبر و بهره‌مندی از سیره ائمه اطهار^(ع)؛ کلیدهای راهگشا در مسیر تربیت فرزند

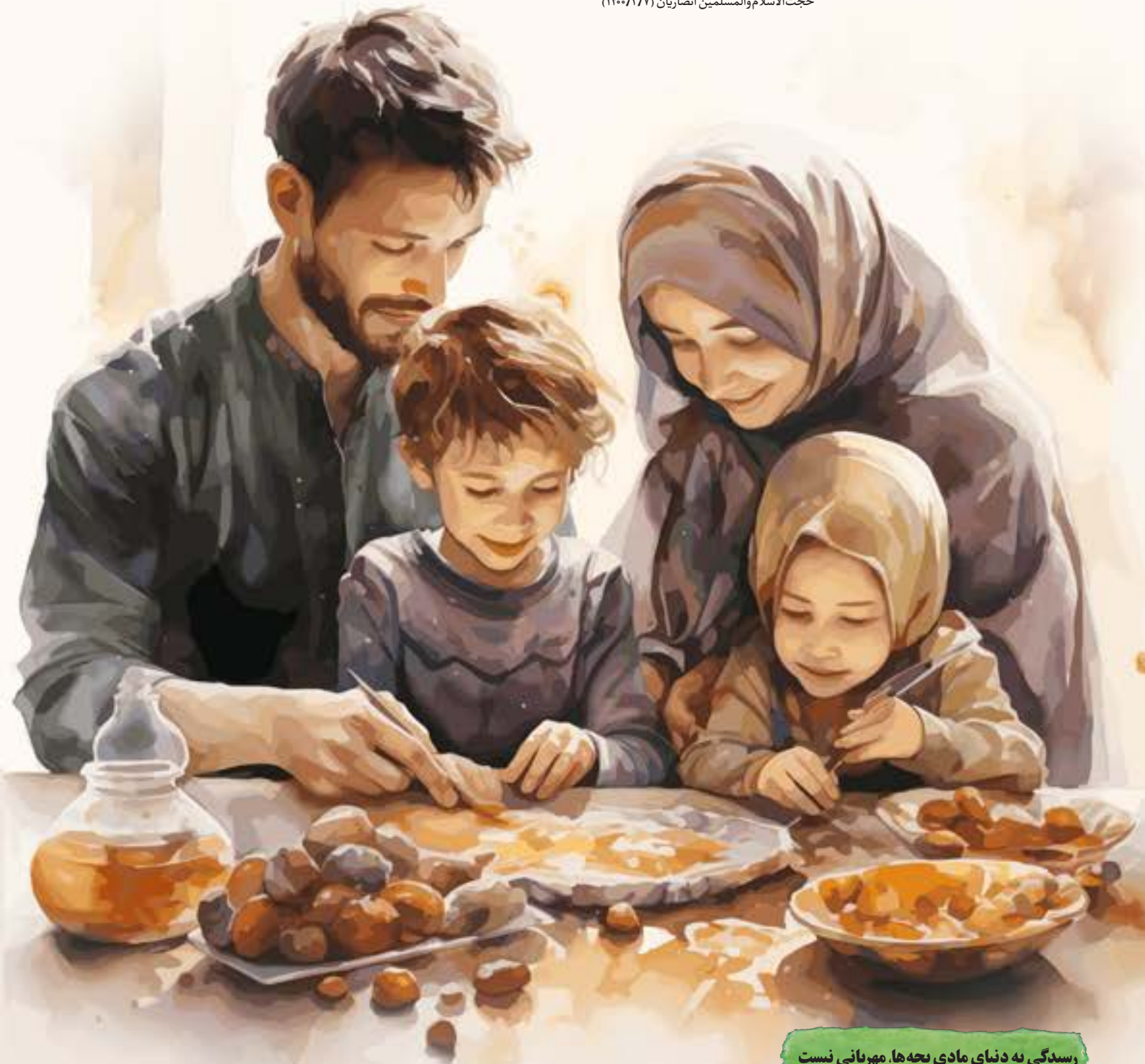
صبر از من، نعمت از تو

حمیده ذاکری! آن‌ها که امانت دارند، می‌دانند که نگهداری از مال امانی، چقدر سخت و دشوار است. دلشوره اینکه این مال از دست برود یا آسیبی ببیند و فردا روز که صاحبش آمد، چه کنیم و چطور جوابش را بدهیم. بار سنگینی است که تحملش را هر فردی ندارد و امتحانی است که همه از پیش برنمی‌آیند. فرزندان نیز به امانت تعبیر شده‌اند و شاید به همین دلیل است که فرزند برای پدر و مادر هم نعمت است و هم امتحان؛ امتحانی برای امانت‌داری در نزد پروردگار و امانتی که طبق آموزه‌های اسلامی، خداوند به ما سپرده و مسئولیتش را برعهده ما گذاشته است تا او را با تربیت شایسته به بهترین منزل‌ها برسانیم. لازمه تربیت صحیح کودک، یاری گرفتن از قرآن کریم و احادیث و رعایت موازین اسلامی است. روش اسلام در تربیت کودک، محبت و پند و نصیحت توأم با مدارا و احتیاط است که باید درعین حال دلنشین و مؤثر باشد. در تربیت اسلامی، زیاده‌روی دیده نمی‌شود و توسل به صبر و بهره‌مندی از سیره ائمه اطهار^(ع)، دو کلید راهگشا در این مسیر است. برای دانستن بیشتر در این باره، پای منبر بزرگان نشسته‌ایم.

فرزند، امانت خداوند است

پدر حکیم، یعنی کسی که معنای زندگی را فهمیده، راه و روش درست زندگی را دانسته است و دارای مهربانی، محبت، آرامش و دلسوزی است. پدر حکیم دو موضوع را برای فرزندانش تأمین می‌کند: معیشت دنیا و معیشت آخرت. تمام توجه چنین پدری، هیچ‌گاه متوجه معیشت دنیایی فرزندش نیست. او چون حکیم، دانا و آگاه است، می‌داند که دنیا مقدمه آخرت است. می‌داند «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»، همچنین می‌داند این نهالی که به نام فرزند است، باید در همین دنیا در جد خودش به شجره طیبه تبدیل شود و فردای قیامت در «جَنَّاتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» مقیم شود. این نگاه یک پدر حکیم، دلسوز و دانا به فرزندش است. این پدر طبق آیات و روایات، می‌داند که فرزند امانت... است. خودش امین خداست و می‌فهمد چگونه باید با این امانت معامله کند تا فردای قیامت آن را سالم به صاحبش برگرداند. او می‌داند که پروردگار عالم امر فرموده و فرمان داده است: «إِنَّ... يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، امانتی که پیش شماست، سالم و بی‌عیب به صاحب و اهلش برگردانید.» (آیه ۸۵ سوره نسا).

حجت‌الاسلام والمسلمین انصاریان (۱۴۰۰/۲/۷)



رسیدگی به دنیای مادی بچه‌ها، مهربانی نیست

دوست داشتن فرزندان فقط به خرید کفش و لباس و تأمین مایحتاج مادی آن‌ها نیست، بلکه محبت به فرزندان در دین، باور کردن آن‌هاست. حضرت زهرا^(ص) چون فرزندان خود را دوست داشتند، آن‌ها را عصر شب قدر می‌خواندند و شب هنگام بیدار می‌کردند و می‌فرمودند که امشب، مهم‌ترین شب زندگی هر انسان است و من دوست دارم فرزندانم از برکات این شب بهره‌مند شوند. آن‌گاه آب به صورت فرزندانشان می‌زدند و آن‌ها را نوازش می‌کردند تا شب قدر را بیدار بمانند. بسیاری از ما در برابر تربیت فرزندان خود در زمینه نماز خواندن، شب‌زنده‌داری، احیای شب‌های قدر و موضوعات دینی، بی‌توجه هستیم و فرزندانمان را به حال خود رها کرده‌ایم. همین بی تفاوتی والدین، موجب شده است فرزندان هرچه از نظر سنی رشد می‌کنند، فاصله‌شان با خدا بیشتر شود.

رسیدگی به دنیای مادی بچه‌ها، مهربانی نیست. رسول خدا^(ص) در این زمینه می‌فرماید: «وای بر بچه‌های آخرالزمان از دست پدر و مادرشان، زیرا این پدر و مادرها هستند که رعایت پوشش و حجاب اسلامی و رعایت روابط خود را در مقابل فرزندان نمی‌کنند و انواع گناهان از جمله غیبت و تاسر اغویی را در مقابل آن‌ها مرتکب می‌شوند و آن‌ها را دعوت به گناه می‌کنند»، در چنین فضایی، نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان، دین‌مدار و دین‌باور تربیت شوند. در خانه حضرت زهرا^(ص) چهار گل تربیت شدند و صبر حسنی، شجاعت حسینی، استقامت زینبی و فصاحت ام‌کلثومی در یک خانه محقر ایجاد شد. در خانه حضرت زهرا^(ص) به‌ظاهر شاید رفاه مادی نبود اما آرامش بود و در پرتو این آرامش، چهار شخصیت وارسته و انسان‌ساز پرورش یافتند و تربیت شدند. تربیت فاطمی یعنی معنویت و ایجاد فضای معنوی در خانه و درمیان فرزندان و این‌ها شاخصه‌های تربیت فاطمی است و پدر و مادری که به دنبال گل‌های فاطمی‌اند، باید چنین منش و سبک تربیتی را در زندگی خود دنبال کنند.

فکر روح بچه نیستیم

پدر و مادرها! اول باورهای خودتان را تقویت کنید. ماشین نمی‌تواند یک قطار را یکسل کند؛ اگر خودت ضعیف باشی، نمی‌توانی بارکشی کنی. راهش این است که کتاب‌های مفید را مطالعه کنید. شب‌های زمستانی زیاد مطالعه کنید. از عصر تا ۱۰ شب می‌توانید مطالعه کنید، یک ساعت مطالعه کنید. کتاب‌های خوب و مفید را بخوانید که دو تا نکته درونش باشد. پدر و مادرها باید خودشان را تقویت کنند. بعضی پدر و مادرها دچار غرور علمی هستند. فکر می‌کنند چون دیپلم و لیسانس دارند، خیلی باسوادند. تقویت پدر و مادرها از چند راه است؛ اول مطالعه کتب مفید؛ کسانی که لیسانس هستند، کتاب‌های مطهری را بخوانند. شهید مطهری ۵۴ جلد کتاب نوشته است. سال هم ۵۲ هفته است. هفته‌ای یک عدد از کتاب‌های شهید مطهری را بخوانید. والدین خودشان را باسواد ندانند. قرآن مجید می‌گوید: «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا. و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است.» (اسراء/ ۸۵). همه باهم یک ذره سواد دارید؛ یعنی از علم فقط اندکی می‌دانید. آزیس مشغله زیاد برای خودمان درست کرده‌ایم، به بچه نمی‌رسیم. در خانه باید به بچه رسید. این شش سال اول برای تربیت، خیلی مهم است. با بچه باید بچه شد. حدیث داریم هرکه بچه دارد، خودش هم بچه شود. پایین بیاییم که این بچه رشد کند. مسئله دیگر اینکه خیلی دنبال رفاه مادی هستیم و فکر روح بچه نیستیم. فکر کمبودهای معنوی روح بچه نیستیم. بیشتر به لباس بچه می‌رسیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی (۱۳۹۵/۸/۲)

مهم‌ترین رفتار پدر و مادر که روی بچه‌ها اثر می‌گذارد، قدرت تحمل مشکلات یا همان «صبر» است؛ اینکه بتوانند دندان روی جگر بگذارند و درد را تحمل کنند، هر نوع دردی که باشد. شما کار خوب بکنی و بگویی من این کار را دوست دارم. این راهنمای خوبی برای بچه‌ها نیست. مادرهای محترم هروقت عصبانی شدند، هرچه از دهانشان درآمد، نگویند. اگر جلوی بچه‌ات عصبی شدی و دندان روی جگر گذاشتی، بچه‌ات نابود می‌شود. با همین یک دانه عیب، بچه نابود می‌شود؛ زیرا هیچ عیبی مثل بی‌صبری و هیچ خوبی‌ای مثل صبر نیست. وقتی بچه می‌فهمد مامان غمگین شده است اما لبخند می‌زند و می‌گوید عیب ندارد یا تحمل بابا را می‌بیند و می‌داند بابا دارد زجر می‌کشد اما بازهم بالاد برخورد می‌کند، دندان روی جگر گذاشتن را یاد می‌گیرد و جرعه صبر را با رنج می‌نوشد! اصلا در جا ۱۰ سال بزرگ می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان (۱۴۰۰/۴/۳)

برای تربیت بچه‌ها باید حوصله داشته باشیم

اگر (در تربیت فرزند) به آن ایده‌آل نرسیدیم، غصه و حرص نخوریم. با بچه‌هایمان قهر نکنیم و مدارا کنیم. یک وقت عزیزان تصور نکنند که ما می‌خواهیم گناه بی‌نمازی را سبک بشماریم. گناه بسیار سنگینی است. پیام‌های بی‌نمازی و کاهل نمازی و آیات قرآن درباره آن را همه می‌دانند. وقتی به جهنمی‌ها می‌گویند: «ما سَلَكْكُمْ فِي سَفَرٍ؛ چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟» (مدثر، ۴۲) اولین حرفی که می‌زنند، این است: «قالوا لِمَ نَك مِنْ الْمُضَلِّينَ، گویند از نمازگزاران نبودیم.» (مدثر، ۴۳). ما باید برخوردمان چطور باشد؟ قرآن کریم می‌گوید: «وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتُ، مانند صاحب ماهی (یونس) نباش» که زود ناراحت شد و نفرین کرد. خدا نمی‌پسندد کسی با کسی قطع رابطه کند. برای چه قطع رابطه کردی؟ این‌ها بت‌پرست هستند و خدا پرست نمی‌شوند. خب تو اینجا آمدی که دست‌این‌ها را بگیری. برای اصلاح بچه‌ها باید حوصله داشته باشیم و سعه صدر. حالا امروز بچه ما برای نماز صبح، خواب مانده است. دختر من، من پسر من مقید به نماز است و ساعت هم کوک کرده و بیدار نشده است. سؤال: من وظیفه دارم بیدارش کنم یا نه؟ چه وظیفه‌ای دارم؟ برای چه باید بیدارش کنم؟ اگر خودش خواسته بود که بیدارش کنم، بیدار می‌کنم، اما اگر نگفته بود و خواب ماند، نباید بیدارش کرد. می‌گوید: نهی از منکر کنیم، منکری در کار نیست. وقتی فرزند مقید به نماز است و حالا خواب مانده است، دیگر منکری نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی‌قمی (۱۴۰۰/۱۶/۶)